پان ایرانیست

ارگان
حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

روزهای انتشار یکشنبه چهارشنبه
شماره مسلسل ۱۱۳
نشانی میدان بهارستان
یکشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۳۳۱
تکشماره ۲ ریال

آنها که ناجوانمرانه بدکتر مصدق می تازند، آنها که خرابی دستگاه دولتی را بپای دکتر مصدق میگذارند نوکران رسوای بیگانه اند

یک بررسی کوتاه از مبارزه چند ساله ملت ایران با استعمار آزمند انگلستان و رستاخیز ملی کردن صنعت نفت بخوبی نشان میدهد که این ابرد سهمگین میاهن مردمی زنجیر شده و استعمار زده و گروهی دزد و غارتگر بیگانه تنها به نیروی احساسات ملی آغاز شد و بیاری همین نیروی شکننده در آستان پیروزی قرار گرفت

دکتر مصدق که رهبری این رستاخیز بزرگ را بعهده داشت با استفاده از سیل خروشان افکار عمومی و خواست مردم بود که توانست از پارلمانی که بدست نوکران بیگانه ساخته و پرداخته شده بود قانون ملی کردن صنعت نفت را بگذراند و هیئت حاکمه ـ اوادار بچشم پوشی از کرسی نخست وزیری کند و حتی در بیرون راندن انگلیسها از نوکران شناخته شده سفارت کمک بگیرد.

از اینرو استعمارگران آزمند بیگانه بزرگترین وظیفه خدمتگذاران بی آزرم خودرا کوشش در خاموش کردن آتش احساسات ملی و افشاندن بذر ناامیدی در دل رزمجویان ضد استعمار قرار دادند

ولی دکتر مصدق رهبر خردمند ملت ما که بخوبی باین نیرنگ پادوهای استعمار پی برده بود با افزایش و کاهش بجای شور و هیجان ملی بدون آنکه نیاز بسازمان دادن نیروهای پراکنده ولی رزمجوی میهن پرستان افتد قدم بقدم ملت ایران را بسوی پیروزی پیش راند

با اینهمه بدرازا کشیدن مدت مبارزه و چهان سختی روبا نیم مرده استعمار در برابر خواستهای ملت ایران و فقر و گرسنگی مردمیکه یکصد و پنجاه سال در زیر تازیانه ستم بیگانه بسر کرده دست در دست فرض ورزی و خود خواهی کسانیکه خود را در صف مبارزه ملی جازده اند و راه بهانه جوئی و اخلالگری برای نوکران سفارت خانه ها باز کرده

پس از رستاخیز ۳۰ تیر که دسیسه بزرگ هیئت حاکمه و استعمارگران بیگانه شکست خورد و ملت ایران با نیرومندی دشمنان رسوای خودرا سرکوبی کرد... نوکران بیگانه از ترس انتقام ملی دهان کثیف خودرا بسته و بلانه های جاسوسی خزیدند....

اما بفروش نرفتن نفت ملی شده ایران در اثر کارشکنی انگلیسها و استفاده نشدن بوجه شایسته از لایحه اختیارات بواسطه خرابی بیش از حد دستگاه دولتی و سنگ اندازی بازماندگان هیئت حاکمه بازهم فرصت سم پاشی به مزدوران مارکدار بیگانه و سرسپردگان بی شرم فراموشخانه داده است.

نوکران سفارت که سالیان دراز بر این ملت حکومت کرده و جز بدبختی و در بدری برای او کاری نکرده اند امروز بیشرمانه میکویند چرا از نفت بهره برداری نمیشود و چرا این ثروت زر خیز و این صنعت

بقیه در صفحه ٤

حمله کارگران توده‌ای کارخانه چیت سازی به دبیرستان ادیب ـ در شب عاشورا فریب صدنفر توده ای برای آتش زدن و خرابکاری به حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

حمله‌ور شدند ـ فرماندار و رئیس شهربانی بابل دوستان حزبی ما را بدون جهت توقیف و برعلیه آنها پرونده سازی مینمایند ـ زد و خورد شدید بین دلاوران پان ایرانیست و اراذل بیگانه پرست توده‌ای در شیراز ـ مزدوران کمینفرم و عمال انگلیس باهمکاری صمیمانه یکدیگر می‌خواستند در راه آهن اغتشاش و بلوا کنند ـ اخراج یک جاسوس انگلیسی از ایران

در ص ٤

از: سرور دکتر بصیر استاد محترم دانشگاه

بدوران غارتگری و چپاول از طریق عشایر بازی خاتمه دهید

با پخش اسلحه در میان عده سودطلب نارضایتی‌های عمیق ایجاد نکنید

اسلحه را از دست اشرار بزرگ جمع کنید و کشت کران را آزاد بگذارید

در اینجا مسئله ای پیش میآید جانشینی که بدست یک عده جاسوس پست فطرت داخلی مانند قوام و امثال او پیداشده و

بقیه در صفحه ٤

وقتیکه رزم آراء رئیس ستاد ارتش بود و غلام یحیی در آذربایجان نمونه از حکومت سرخ ! اشاعه میداد دولت وقت بنا بتوصیه مقامات نظامی فکر کرد که اگر مقداری اسلحه در دست ایلات باشد خواهند توانست کمکی بارتش کرده و به اصطلاح قوای پارتیزانی ترتیب دهند

میخواهیم در این باره بحث کنیم

مردم رشید آذربایجان هرآن در نتیجه فشار عمال سرخ بحکومت قوام و امیال او پناهنده شده بودند و هرچه سعی میکردند که آنان را آزاد گذاشته و کمی اسلحه بآنان داده شود تا بیگانگان را بدون دخالت دولت از ایران خارج کنند اهمیتی بآن داده نمیشد.

چرا وزارت کار در اجرای قانون کار نسبت بکارگران اتوبوسرانی ها کوتاهی میکند؟

با اجرای قانون کار در این صنف چندین هزار نفر بر سر کار می‌روند باید بخودسری دارندگان اتوبوس پایان داد

در چندسال پیش که مبارزه نیروهای کارگری میهن ما برای هم ریختن بساط غارتگری سرمایه داران جهود منش روز بروز دامنه دار تر میشد.

هیئت حاکمه افسونگر ناچار شد با کشودن وزارت کار و گذراندن قانون کار از پارلمان در ظاهر گامهائی بسود کارگران بردارد.

اما بدبختانه در اثر نیرنگ و خدعه کار فرمایان و اخلال توطئه بلشویک ها

بقیه در صفحه ۳

پان ایرانیسم بزبان ساده

تقی زاده

پان ایرانیسم اندیشه ایست مختص بایران و سازنده فرهنگی است برای جهان

فرهنگ ملی و فرهنگ استعماری

(۱۰)

ارزش‌ها

موقعی که ایران دچار حمله اعراب شد افکار «ضعیف» بصورتهای مختلف بایران وارد گشت وجای خودرا در مغز مردم بتدریج باز نمود

قبل از انقراض ساسانیان یعنی در دوره های درخشان سلسله های هخامنشی، اشکانی و ساسانی ایران از گزند افکار ضعیف کاملا مصون نبود پنساه دادن پادشاهان هخامنشی بتوده های یهود راه افکار و اندیشه های ضعیف را باز کرد و بتدریج فرهنگ درخشان ایران که درقرص کامل میدرخشید از رونق وشکوه افتاد

فکر ژودائیزم کم کم راه خودرا باز یافت و کسانی مانند مانی و مزدک زا تحت تاثیر خویش قرار داد اندیشه ژودائیزم «یاجهودزدگی» درعصر ساسانیان کاملا شدت یافت ما برای آنکه به تعالیم یهودی ها در این زمان پی ببریم طرز فکر و اندیشه مزدک را که شاعر بزرگ و ملی ایران فردوسی بصورت نظم درآورده است در اینجا نقل میکنیم.

زن و خواسته باید اندر میان
چو دین بهی را بخواهی زیان
همی دیو بیچد سر بخردان
بباید نهاد این دو اندر میان

. . .

بقیه در صفحه ۳

از شماره آینده

کتابی که با اسناد غیرقابل انکار و خورد کننده رژیم غیر انسانی پشت پرده آهنین را محکوم می کند

کار اجباری در رومانی

بقلم: ژنرال نیکلا رادسکو

آخرین نخست وزیر ملی رومانی
این کتاب از شماره آینده در آپادانا انتشار خواهد یافت وشمارا باسرار لرزاننده‌ای از کشورهای اروپای زنجیر شده آشنا خواهد ساخت

ـ ۵ ـ

چند کلمه درباره نویسنده کتاب

نیکلا رادسکو قهرمان مردم رومانی درسال ۱۸۷۶ در کالیمانتی (رومانی) بدنیا آمد و درسن بیست سالگی وارد ارتش رومانی شد.

در جنگ اول وی فرماندهی یک دسته سوار را داشت و سپس بفرماندهی ستاد یک دیویزیون منصوب گردید و براثر ابراز فداکاری و شجاعت موفق بدریافت عالی ترین نشان افتخار رومانی شد

وی بین سالهای ۲۶ ـ ۱۹۲۰ نیز در ارتش رومانی دارای سمت‌های گوناگونی بود و بالاخره درسال ۱۹۲۶ بسمت آتاشه نظامی رومانی در لندن منصوب گردید.

در سال ۱۹۳۳ چون کارول پادشاه رومانی درنظر داشت که یک رژیم دیکتاتوری در رومانی برقرار کند رادسکو از مشاغل ارتش استعفا داد و شروع بمبارزه شدیدی باشاه نمود و بالاخره موفق شد که در نظریات وی تعدیلی وارد آورده درجنگ بین المللی دوم رادسکو بار دیگر وارد خدمات نظامی شد و درسال ۱۹۴۲ نامه شدیداللحنی خطاب بسفیر آلمان در رومانی نوشت و اورا متهم ساخت که بیش ازحد در امور رومانی دخالت میکند و بهمین علت بزندان افتاد و مدت دو سال

بقیه در صفحه ۲

نوشته ـ ریس

ـ ۲ ـ

حال موقع آن رسیده که با ملی کردن شیلات دست خرس قطبی را از دریای شمال کوتاه کنیم. پس از انقضای مدت قرار داد شیلات هم بایستی ملی اعلام شود

ده سال تمدید نموده و قرارشد سالیانه مبلغ ٤٨٢ هزار فرانک طلای فرانسه عاید ایران گردد و درصورت تخلف ٦٠٠ هزار فرانک طلای فرانسه متخلف بدیگری بپردازد ولی پس از انقضای سه سال یعنی درسال ۱۳۱٤ هجری قمری میرزا علی اصغرخان صدراعظم لیانازف را وا ار

بقیه در صفحه ۲

در شرکت بیمه ایران چه خبر است؟

۳

اختلاف و تشتت این روزها در شرکت بیمه بسرحد کمال رسیده است زیرا هیئت مدیره جدید شرکت بدون آنکه متوجه باشند در وضع حاضر باید از افراد درست وفعال و بی نظر حداکثر استفاده را بنمایند بیهوده این اختلاف را دامن میزنند به طوریکه در انتصابات و تغییرات جدید نیز بخوبی معلوم میشود که با افراد درستکار و ترقیخواه مبارزه دارند و در عوض نادرستان جاسوس تشویق میشوند

مثلا ضمن تغییرات اخیر رئیس بیمه نامه را که هفده سال در شرکت سابقه خدمت داشته و در این چنجال‌ها دخالتی نداشته است به تبریز پرتاب کرده اند و همچنین شهرت دارد رئیس حسابداری

بقیه در صفحه ٤

مادر

در ص ۳

رویداد تاریخ

از: لوید

چگونه این امپراتور نیرنگ باز شاهنشاه ایرانرا فریفت و مشتی از بزرگان ایرانرا بکشتن داد

هنگامیکه خاندان اشکانی پس از نبرد با سلوکیها بروی کار آمد دولت روم نیز بنهایت توانائی وزورمندی رسیده وی حکومت تمام کشورهای سدراه را برچیده خودرا بمرزهای ایران نزدیک کرد شاهنشاهان اشکانی درسراسر پادشاهی دمیدم با این دولت درپیکار بودند بطوریکه گاهی از فزونی ستیز با ایران دولت اشکانی را لرزان می نمود ولی درهمه جا باردومیان بهره‌ای جز شکست نبود

. . .

چندماه میگذرد که اردوان پنجم آخرین پادشاه خاندان اشکانی برسریر پادشاهی تکیه زده و برایران بزرگ آنروز فرمانروائی میکند

«کاراکالا» امپراتور روم که مردی زشتخوی و بدروش واهرمن منش بود گمان برد که از راه حیله میتواند بربخشهای پربهای ایران دست یابد بدین خیال

بقیه در صفحه ۲

بحث تاریخی وسیاسی

ح ـ غفوری

فلات ایران کجاست؟

در این بخش: از علل پراکندگی ایران بزرگ، سرزمینهای مجزا شده از فلات ایران: و مالکیت تاریخی ملت ایران گفتگو خواهد شد

(۱)

هم میهنان:

از آن هنگام که پرچم اهنت مقدس پان ایرانیسم باهتزاز درآمد و درهر

بقیه در صفحه ۲

MANCHESTER 1824
The University of Manchester

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفآ به لینک زیر مراجعه فرمایید:

http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

چرا وزارت کار

بقیه از صفحه ۱

این وزارت‌خانه بجای دفاع از کارگران سیه روزورنج کشیده دکان سندیکاسازی و نماینده تراشی از آب در آمد و کوچکترین گامی حتی برای بکار بستن این قانون پر از نقص هم برداشته نشده.

برای نمونه باید گفت امروز در شهر تهران چندین هزار کارگر (راننده ـ کمک راننده ـ بلیط‌فروش) در خطوط اتوبوس رانی بافلاکت وسختی کار میکنند وثمره کوشش آنها بجیب چندسرمایه‌دار خون‌آشام وچند افسردزد شهربانی که ازغارت مردم چند اتوبوس خریده‌اند فرو می رود.

کارگران این صنف تاکنون مانند اوکر های شخصی دارندگان اتوبوس ازسحرگاه تانیمه شب "عرق ریخته وسرانجام مزدکمی دریافت می‌دارند که آن‌را بیشتر ناچار ندبه دستگاههای دولتی باج بدهند وهرلحظه هم‌خطر بیکار شدن آینده آنهارا تهدید کند.

ما از اداره کار می‌پرسیم چرا باید قانون کار در باره چندین هزار کارگر اتوبوسرانی اجرا شود؟ وچرا این نیرو های پر ارزش باید با ۱۸ ساعت کار شبانه روزی بمرگ تدریجی دچارشوند.

اجرای قانون کار درمورد کارگران اتوبوس رانی نه‌تنها بزندگی سخت وطاقت فرسای چندین هزار کارگر ستمدیده سروسامانی میدهد بلکه باقراردادن هشت ساعت کار برای آنها چندین هزار نفر ازمردم بیکار که امروز خطر بزرگی را برای میهن‌ما میسازند بکار گمارده خواهند شد.

چرا باید اجازه داد که برای خاطر آسودگی و غارتگری چندین ده نفر دارندگان اتوبوس چندین‌هزار کارگر را باچنین زندگی طاقت فرسائی دمسازکرد وتازه وزارتخانه پرعرض‌وطولی بنام‌دفاع از حقوق کارگران بازکرد

مابکاران شرافتمنداتوبوسرانی تهران ندا میدهیم که برای داشتن یك زندگی آسوده وگرفتن حق‌خود از چند سرمایه‌دار خون‌آشام هرچه‌زودترسندیکا های‌خودراتشکیل‌دهند تابانیروی‌شکننده خود بهدف‌رسند.

از وزارت کارهم میخواهیم بیش از این خود را بکمیسیون بازی سرگرم نکرده و بااجرای قانون کار در مورد کارگران اتوبوسرانیها گذشته از بکار گماردن چندین هزار نفر بیکار بیش از این نگذارد هزاران کارگر بی پناه در چنگال چند سرمایه‌دار ددمنش با روزی هیجده ساعت کار وگرفتن چندتومان مزد که هزینه یك کودك را هم کفایت نمی‌کند بمرگ تدریجی دوچار شوند.

در شرکت بیمه

بقیه از صفحه ۱

شرکت راکه حاضر نبوده‌است در مقابل آقایان بتعظیم وتکریم وخوش‌آمدگوئی مشغول باشد تغییردهند.

سایرتغییر و تحولات شرکت‌هم از همین قبیل بوده چنانچه یکی ازبستگان نزدیك رزم آرا را به‌بیمه فرهنگیان منتقل کرده اند درصورتیکه سابقه‌خدمت و تحصیلات این‌آقا ازبسیاری کارمندان فعال وبصیر شرکت کمتربوده است

این مسائل است که بطورکلی کارمندان مطلع و دلسوز شرکت را متاثر ساخته است.

در این کشور تا پاداش وکسیفری نباشد وتا ترقی بین دوغ ودوشاب نباشد اوضاع بهترنخواهد شد.

شرکت بیمه امروز سنگر جمعی نادرست وافراد مرموز وجاسوسی چون رحیم نامور جاسوس‌معروف بلشویکهاو خواجیان نوکرمزدور جمال‌امامی ودکتر مصباح‌زاده شده‌است

هفته گذشته بتحریك همین آقایان بلوا و غوغای عظیمی در بیمه کارگران بپاشدکه در شرکت بیمه بی‌سابقه بوده توضیح‌آنکه عده‌ای از کارگران بتحریك نامور وخواجیان به‌هیئت مدیره شرکت هجوم‌آوردند وبنام آنکه مسلول هستند نزدیك بود رئیس‌هیئت‌مدیره‌را مضروب‌و منکوب کنند که اگر ازطرف شهربانی و حکومت نظامی کمك نشده بوداوضاع وخیمی درشرکت پیش‌میآمد.

این تحریکات هنوز هم ادامه دارد واگر فرد بی‌اطلاعی این‌روزها بشرکت بیمه مراجعه کند خواهد دیدکه در تمام پله‌های شرکت تاطبقه سوم پاسبان و نظامی برای‌حفاظت مقامات بالای شرکت گذاشته شده در صورتی که یك شرکت تجارتی باید حتی‌الامکان از این بلواها وغوغاهای مصنوعی که بدست جمعی عمال بیگانه ایجاد میشود برکنار باشد میدان دادن بافراد جاسوس و وطن فروش این جریانات‌سوء را هم بدنبال‌دارد

ناتمام

آنها که جوانمردانه

بقیه از صفحه ۱

شگرف بی ثمره مانده. میگویند چرا دکتر مصدق دراین‌مدت کوتاه ایران را بهشت برین نساخته وطومار بدبختی‌های یکصد وپنجاه ساله را درهم نپیچیده.

باین اخلالگران هرزه‌گو باید گفت این اربابان شما هستند که حرص و آز چشم‌آنهارا کور کرده ومیخواهند‌ازفروش نفت ایران جلوگیری کرده وسر از نو بساط غارتگری برپاکنند وگرنه دکتر مصدق دیگر چگونه با آنها رفتارکند، باید گفت این‌شما هستید که در راه بهبود زندگی مردم سد شده‌اید وهمه نقشه‌های دولت را باخدعه وتزویر بی‌ثمرگذارده‌اید

آنچه ملت ایران از دکتر مصدق خواسته بخوبی وهردانه انجام داده است ... ملت‌ایران ازدکتر مصدق خواسته بود که طلسم استعمار را بشکند و پای بیگانه را از خاك میهن کوتاه کند و کیست که بگوید دکتر مصدق در این‌کار کوتاهی کرده یا پیروز نشده؟

وگرنه هرایرانی هوشمند می داند که بدبختی‌ها وسیه روزیهائی که بایکصدوپنجاه سال خیانت هیئت حاکمه گریبانگیر ملت گشته با چندماه حکومت دکتر مصدق پایان پذیر نیست.

برای درمان دردهای بیشمار اجتماع کنونی که زائیده سالها غارتگری بیگانه‌وستمگری سرمایه داران واربابان‌خون آشام‌ایرانی نما است نخست وزیری یك مرد میهن‌پرست هراندازه کاردان و نیرومند باشدکافی نیت

باید امروز بجای خرده گیری و اشکالتراشی برای مصدق قهرمان‌درراه پدیدآوردن حزبی نیرومند که دارای برنامه های درست اجتماعی باشد کوشید تا در آینده دکترمصدق یاهرمردشرافتمنددیگری به‌تواند به‌پشتگرمی‌آن‌ایران‌راازگرداب فقر ونیستی رهائی بخشد.

دکتر مصدق وظیفه خودرا بهتر از آنچه گمان‌میرفت انجام داده، دست‌استعمار را از ایران کوتاه کرده، بساط هیئت حاکمه رادرهم‌ریخته؛ مردم را ازنیروی شگرف اراده ملی باخبرکرده ... دیگر این‌وظیفه ماست که همه نیروهای‌ملی‌رادر یك‌حزب‌مبهن گردکرده‌وگامهای بزرگتری درراه سرافرازی و آزادی ملت خود برداریم.

امروزهرکس بدکترمصدق بتازد وخرابی دستگاه دولتی را بپای اوگذارد، هرکس ملت‌راازدنبال کردن نقشه های مصدق دلسرد کند ازبیگانه الهام‌گرفته و دشمن‌رستاخیز ایران‌است

پاینده ایران

از: دوشیزه زرین میرمهدی

«مادر»

هنگامیکه تمام موجودات زمین اعم ازانسان وحیوان بخواب رفته اند هنگامیکه دردل شب جزصدای مرغ حق نوائی بگوش نمیرسد، شعله لرزان و پریده‌رنگی ازپشت شیشه این اطاق بچشم میرسد وزمزمه‌حزن‌آلود زنی بگوش. اردیك میشوم. کودکی تندرست وزیبا درون گهواره بخواب رفته چهره مقدس وآسمانی زن‌که با محبتی خاص برصورت طفل مینگرد حساکی است که اومادر است. قطرات درشت وشفاف اشك ازدیده‌گان فرورفته‌اش میچکد و درآنحال زمزمه‌میکندای‌فرزندلبنم بخواب‌وآرام بخواب‌ای یگانه گل بوستان‌جوانی‌و زندگیم آسوده بخواب هنگامیکه توهنوز قدم بعرصه وجود نگذاشته بودی پدرت بجبهه رفت، اورفت تا با اشارخون خود استقلال وآزادی کشوررا حفظ‌کند اورفت با خصم پنجه درافکند تا وجود پلید بیگانگان را برساحت مقدس میهن راهی نباشد اومحبت‌مراکه‌چندین سال ازدوریم رنج برده بود وتازه میرفت که باتشکیل‌زندگی غم دوران را فراموش کند بزیرپانهاد ومهرتوآن جگرگوشه عزیزی که هردم‌بهر تربیتت نقشه‌ای بهترترتیب میداد نادیده انگاشت وبا قلبی آکنده ازمهروطن سلاح پوشید ورفت وهنگام رفتن‌گفت:

«من میدانم‌که تودراوان جوانی وشباب باید جامه مشکین بپوشی وبا زحمات ومشقات وافریادکارمرا حفظ‌کردانی ولی از توتمنا دارم که فرزند مرا هرچه باشد پسریا دخترشجاع ومیهن‌پرست بارآوری، در قلب اوقبل ازمحبت پدرومادرنهال مهرمیهن غرس‌کن بطوریکه محبت توویاد من در درجه دوم قرار گیرد وجمله «پیکاربا خصم میهن» چون خطوطی برجسته وطلائی همواره در مد نظرش باشد، روح من درآسمانهازمانی‌شاد خواهد شدکه فرزندم درمیدان‌جنك ودرراه‌دفاع ازمیهن‌جسدش غرقه بخون‌گردد.»

حال ای فرزند عزیزم‌پدرت‌بعهد خویش وفاکرد ودر راه حفظ منافع‌میهن جامه خونین پوشید ونامش مزین بکلمه مقدس وپرافتخار «شهید» گردید اکنون نوبت تومیرسد، من دراین نیمه شب به اهورمزدا، بساحت مقدس‌ایران وبروح پاك پدرت سوگند یاد میکنم‌که تورا فرزندی برومند ورشید وایران پرست‌تقدیم مام میهن گردانم.

پاینده ایران

کار اجباری

بقیه از صفحه ۱

در اردوگاههای کار اجباری در شرائط بسیار رقت‌آوری بسر برد

ولی درسال ۱۹۴۴ پس از آنکه نیروی محور تضعیف گردید بر استستاد ارتش رومانی منصوب گردید ومبارزه شجاعانه‌ای برای آزادی رمانی شروع نمودوسپس در ماه دسامبر همان سال به ریاست کابینه ائتلافی راکه قسمت عمده پست‌های آن بدوحزب معروف دهقانان‌ملی و آزادی خواهان و بقیه باحزاب عضو «جبهه ملی دموکرات» (کمونیست‌ها ـ سوسیال دموکرات‌ها و جبهه زارعین) اختصاص داده شده بود بعهده گرفت.

کابینه ائتلافی رادسکو در ۲۸ فوریه ۱۹۴۵ براثر اولتیماتوم‌ویشینسکی وزیر امور خارجه وقت روسیه سقوط کرد وسپس گروزا عامل معروف‌شوروی کابینه بعدی‌راکه کاملا تحت نفوذروس‌ها بود تشکیل داد و رمانی درپشت پرده آهنین قرارگرفت، احزاب ملی وبزرك ار قبیل‌دهقانان‌ملی‌وآزادی خواهان‌تحت فشار قرارگرفتند واحزاب کوچکی از قبیل حزب‌کمونیست وحزب سوسیالیست دمکرات تمام پست‌های کابینه را اشغال نمودند وسپس حزب سوسیال دمکرات ایزمتدرجا تضعیف شد وحزب‌کمونیست به صورت‌زمام‌دار مطلق رمانی‌درآمد.

رادسکونیز که چندی پس ازسقوط کابینه‌ائتلافی بزنه‌ان افتاده بوددرژوئن ۱۹۴۶ ـ نگهبانان اردوگاه کار اجباری راکه درآنجا محبوس‌شده بود فریب‌داد وبقبرس‌فرارکرد.

وی اینك ریاست‌شورای ملی‌رمانی را بعهده دارد و رهبر فراریان وتبعید شدگان رمانی‌است.

در این‌کتاب رادسکو بموجب‌اسناد ومدارك انکار ناپذیر پرده را بالا می بردوگوشه‌ای از رژیم‌مهیب ووحشتناکی راکه اینك‌صدها میلیون نفرمردم جهان‌را تحت سلطه امپریالیست‌های روس قرار داده است‌آشکارمیسازد،

مطالعه این رساله نشان می‌دهدکه امپریالیست‌های سرخ چگونه تحت‌عنوان آزادی ودمکراسی ورفاه طبقات محروم استقلال و آزادی را نابود میکنند و مردمان‌آزاده‌ومیهن‌دوست‌را بجرم‌مخالفت باتسلط یك ولت بیگانه بوحشیانه ترین طرز از حق‌زندگی محروم میسازند وبه هیچ چیز جز منافع نیروی اشغالی بیگانه توجه ندارند.

از شماره آینده: کار اجباری در رمانی.

فلات ایران کجاست

بقیه از صفحه ۱

محفل خرد وبزرك سخن ازاین قیام تاریخی و عظیم ملت ما بمیان آمد.

همواره بانام فلات ایران آمیخته ومجین بود.

ودرهمه جاصفوف مبارزین مابا شعار مقدس «فلات‌ایران بربز یك‌درفش» پیش میتاختند.

هرچندکه تاریخچه چندساله پان ایرانیسم بدقت نگاشته نشده است و برای کسانیکه ازخارج ناظرمبارزات ماهستند هنوز هم‌نکات مبهم‌وپیچیده‌بسیاری برجای‌مانده‌است.

ولی ما:

بتمام کسانیکه امروز بنام پان ایرانیست و در سایه این درفش مقدس بعرصه پیکار بادشمنان میهن شتافته اند وبکسانیکه با این اندیشه آشنائی دارند یادآور میشویم؛ که این آرمان برای اولین باربصورت یك فرمان مقدس والهام خدائی درانجمن‌تدوین گردید.

درحالیکه خون‌علیرضارئیس قهرمان دلیر ومبارزراه‌وطن هنوزبرخاکهای ایران سرونشده بود.

این فرمان تاریخی در آپادانا شماره مخصوص «هشتم خرداد» منتشر گردید.

ودراینجا نیز بعضی قسمتهای‌آنرا بواسطه ارزش تاریخی دراینمورد وارتباط بابحث ما باطلاع خوانندگان ارجمند میرسانیم.

فرمان رئیس

مابنیادگذاران‌انجمن، ماکه نخستین پایه نهضت ایران پرستی را برروی شانه‌های‌خودبرپاکردیم. امروزودراین‌ساعت بخاطرآنکه، انجمن خودرابرای ابدو همیشه وارد یك راه تغییر ناپذیر و بسوی یك هدف مقدس جاوید رهسپار سازیم. وبخاطر آنکه هرگز نگذاریم این شعله های آتش وطن پرستی که امروز از قلوب مازبانه میکشد خاموش گردد وبخاطر آن، آرزو و ایده مشترکی راکه همگی درقلب داریم تقدیم جامعه ایرانی نموده بجای تعلیمات و کلیه‌عقاید انجمن خویش‌سازیم‌میگوئیم:

پان ایرانیزم آن آرزوی مقدسی است که برقلوب جملگی ما حکومت می‌کند، وبعد درقسمت آخر فرمان، خطاب بآیندگان میگوید:

شاید این آرزو درزمان ما ویا در دوره تو یا بعد از تو بحقیقت‌پیوندد، اما باشد تو موظفی ذره‌ای‌از این اخگر سوزانراکه درسینه داری در قلوب دیگران و آیندگان نیز وارد کنی تا سینه بسینه بگردد و خاموش نشود.

مطمئن باش روزی میرسدکه این آتش مقدس پلیدیها را بسوزاند و جز پاکی چیزی برجای نگذارد، تا آنروز این وصیت ما است بشما، هاله‌سیاه را ازدور پرچم ایران برنگیرید.

این هاله اشانه عزاداری وماتم ماست تاوقتی که بهدف مقدف‌خودنرسیده اید، تا زمانیکه عظمت ایران‌را اعاده ننموده اید، شما را به ناموس وطن سوگند:

این هاله سیاه را برنگیرید، برنگیریدونعره‌کشان بگوئید به‌پیش‌برای محو هاله‌سیاه.

به‌پیش بسوی آنروزتاریخی ومقدس ... آن روزسعادت‌بارفرحبخش

آنروز برای نخستین‌بار پرچم سه‌رنك ما بدون هاله سیاه دردست جوانان فداکار ایران وسربازان غیور انجمن‌در اهتزاز خواهد بود.

سالها گذشت وفرمان رئیس جز درقلوب کسانیکه سوگند وفاداری بآن یادکرده بودند ودردل صخره‌ومغاره‌های ژرف وتاریك جای دیگری فاش‌نگردید وبرزبان کسی جاری نشد

بعدها، درکتابچه ای بنام بنیاد ازاین اندیشه گفتگو شد (ولی آنچنانکه خواستند!! نه آنگونه که پیمان سپرده بودند!)

ونیز درمرامنامه حزب نبرد ایران بنام (هدف ما) روی این اندیشه تکیه شده بود.

ودرزیر شماره (۱) آن، شعار (ایران‌زمین بزیریك‌درفش) بزرگترین‌هدف را مشخص میساخت ودر بنیاد همین شعار بعنوان (فلات ایران بزیر یك پرچم)یاد شده بود

وحال آنکه‌قبلا درانجمن ضمن سلسله مقالاتی این‌شعار تحت عنوان:

(فلات ایران بزیر یك درفش) خواست وهدف مبارزین آنرا مشخص ساخته بود.

وبعدها با انتشار پان ایرانیسم درخارج این شعار نیز تحریف شد

بهرحال، ما ناگزیربودیم دراین بحث‌ازپیدایش‌ومبداءها اندیشه‌پان‌ایرانیسم و هنگام‌ظهور آن دراجتماع وهمچنین ازشعار مقدس (فلات‌ایران‌بزیریك درفش) گفتگوکنیم.

تادر مبدء این اندیشه وتدوین آن‌برای کسانیکه بتاریخ مبارزات‌این‌قیام آشنا نبوده وازدور ناظرانه اشتباهی رخ نداده واین نهضت راچون‌دیگرتظاهر کنندگان ودستجات سیاسی خلق الساعه نپندارند

ولی، دراینجا نمیشود ازتاسف خودداری کنم، که‌دستهای بیگانه ازروحهای ساده وبی‌تجربه جوانان ماسوء استفاده کردند وبکبار دیگر درتاریخ ایران بزرگترین جنایتهارا مرتکب شده ودرصفوف مبارزین این‌نهضت دوئیت ونفاق افکندند

وبرای مدتی ازرشد ونمو این‌نطفه مقدس که‌ازیك لمعه و الهام آسمانی درقلوب جوانان سرسخت ایران تجلی کرده بود جلوگیری نمودند ولی بیچارگان سخت در اشتباهند؛

گویا نمیدانید که‌آتش‌آتشکده هرگزخاموش‌نخواهد شد.

مگرنشنیدید که‌گفت: تاموظفی‌ذره‌ای ازاین اخگر سوزانرا که در سینه‌داری‌درقلوب‌دیگران‌وآیندگان نیزوارد کنی تاسینه بسینه بگردد وخاموش نشود.

مطمئن‌باش روزی‌میرسدکه این‌آتش مقدس پلیدی‌هارا بسوزاند.

باش تابینی: که تصمیم پولادین‌ما چگونه این ایدآل را صورت‌تحقق خواهد بخشید وشمشیرآبداده از ایمان، سربازان‌فداکارما، چگونه بندهای کاسه سردشمنانرا چاك‌خواهدزد.

درست است، که‌درمیان‌ماعمال بیگانه‌رخنه کردند!! همچنانکه درتمام نهضت‌ها یافت‌شدند.

ولی‌دراین‌مکتب‌رادمردان پاکبازنیز بسیارپرورش شده‌اندکه هنوزدشمنان طعم دشنه‌های فولادین این‌دلیران‌آزاده‌را نچشیده‌اند.

در انتظار باشید، تا در عرصه پیکار پنجه‌های فشرده‌مارا حس کنید.

اما ای‌دوستان خواب‌آلوده شمانیز ندای‌پاك‌مارا پاسخ گوئید وبیش‌از این رخصت ندهید تادشمنان ازاین‌همه پراکندگی کامیاب وپیروز باشند، وبراین صفوف منبسط لبخند تمسخر آمیز زنند.

لختی بیاندیشید؟

مگذارید بجائی رسدکه جز افسوس چیزی برجای نمانده‌باشد.

***

از نظر تاریخی وعلل‌تجزیه ایران بزرك کمتر بتفحص پرداخته‌شده. و جزدر قالب الفاظ وعبارات در این‌مورد تحقیقی بعمل نیامده است.

وحال آنکه این قسمت بیك رشته تحقیقات عمیق تاریخی محتاج بوده وگذشته از تعیین دقیق حدود ایران لازم است که درهرقسمت ازنظرنژادی‌وحق تقدم نژادایرانی‌ومالکیت تاریخی ملت‌ایران‌بحث شود.

ما میهن ایرانیانرا، درحدودی محدود میکنیم که نژاد ایرانی‌درآنجاسکنی گزیده وارتباط خانوادگی وملی خودرا درطی تاریخ آن سرزمین محکم ساخته است و مالکیت تاریخی اومسلم شده باشد.

دراینمورد باید متذکرشدکه تنهااشغال وتصرف سرزمینهای مختلف‌درطی تاریخ بعنوان حدود ایران شناخته نخواهد شد.

بلکه مسکن گزیدن و ارتباط خانوادگی وملی نژاد ایرانی در طی تاریخ نیز باید مسلم شده باشد.

دولت‌های ساختگی و حدود جعل شده بوسیله دیگران از نظر ما حائز ارزشی نیستند

ادامه دارد

حال موقع آن رسیده

بقیه از صفحه ۱

نمود که با تغییر دادن در بعضی از مواد قرارداد مزبور بجای مبالغی که از قید شده بود سالیانه مبلغ پانصد هزار فرانك طلای فرانسه پرداخت نماید منتها این بار صاحب امتیاز حق داشت که مطابق ماده مخصوصی که به قرارداد قبلی اضافه شده بود می توانست شرکت معتبری به تمام شرکت شیلات در شمال ایران و در حدود حوزه امتیازیه خود دایر و شروع به کار نماید مدت این قرارداد ده سال و تا سال ۱۳۲۴ هجری قمری مطابق با ۱۹۰۶ این قرارداد به قوت خود باقی بود و صاحب امتیاز مشغول بهره برداری از دریای شمال بود ضمنا در خلال این مدت لیانازف که با در دست گرفتن تمام سهام مالك مطلق دریای شمال بود وفات نموده و عین الدوله اتابك اعظم در سال ۱۳۲۴ هجری قمری با بازماندگان لیانازف قرارداد جدیدی به این شرح منعقد نمود :

بازماندگان لیانازف صاحب امتیاز اولیه صید ماهی در شمال ایران بایستی حق الامتیاز سه سال را که بالغ بر ۱٫۳۸۰٫۰۰۰ فرانك طلای فرانسه میبود در آوریل سال ۱۹۰۶ قبلا به دولت ایران پرداخت نمایند و بعلاوه در دسامبر همان سال ٤٦۰ هزار فرانك طلای فرانسه هم بابت سال ۱۹۱۰ و در آوریل ۱۹۰۸ همان مقدار فرانك طلای فرانسه را بابت سال ۱۹۱۱ به دولت ایران تادیه نمایند .

(درصورتیکه درقرارداد قبلی حق الامتیاز سالیانه بالغ بر ۵۰۰ هزار فرانك طلای فرانسه در سال بوده است) و همیشه صدی شش هم به عنوان نزول از مبالغ فوق کسر نمایند و در مقابل دولت ایران بدون رضایت بازماندگان لیانازف در فسخ قرارداد بهیچ وجه اقدام ننماید .

در سال ۱۹۱۷ در بحبوحه جنگ بین المللی اول و انقلاب روسیه بازماندگان لیانازف بعنوان اینکه انقلاب روسیه باعث کسادی بازار شده و بالنتیجه خسارات هنگفتی به شرکت وارد آمده است از پرداخت مبلغ ٤٦۰ هزار فرانك طلای فرانسه خودداری نموده و در نتیجه قرارداد مزبور را دولت ایران ملغی ساخته و موسسات شیلات را بعنوان طلب ضبط نمود .

ناگفته نماند که در هنگامیکه دامنه انقلاب تمام خاك روسیه را فرا گرفته و آنجا را مبدل به یك پارچه خون و آتش نموده بود ژرژ دیانازف پسر ارشد لیانازف ازطریق تجارتخانه طوماتیانس تلگرافی به دولت ایران اطلاع داد که حاضر است ازطریق لندن مبلغ بیست هزار لیره انگلیسی بابت حق الامتیاز سال بعد بدولت ایران پرداخت نماید ولی چون از آن تاریخ تا ۸ ماه بعد از آن دولت ایران بعللی از دادن جواب خود داری نمود و بالنتیجه قسمت اعظمی از سرمایه ژرژ دست خوش غارت بلشویکها شده و نتوانست به اجرای مواد قرارداد ادامه دهد و بعلاوه با تعطیل شدن تمام صرافی ها و بستن راه ها ارسال وجه ازطریق روسیه غیرممکن و محال بود بنابراین مشارالملك وزیر مالیه وقت با ضبط موسسات شیلات مدت یکسال از سال ۱۹۱۷ تا سال ۱۹۱۸ جدا از واگذاری شیلات به روسها خودداری نمود تا اینکه بالاخره در سال بعد امتیاز شیلات را به یکی از اتباع روسی بنام (گریگوریف طروویچ وایت سوف) به ضمانت تجارتخانه طوماتیانس با شرایط زیر واگذار نمود :

۱ــ مدت قرارداد ۲۰ سال است

۲ــ پنجاه درصد از تمام عایدات حق امتیاز دولت ایران میشد (پس از کسر مخارج)

۳ ــ صاحب امتیاز باید در ظرف ۵ سال اول با اقساط متفاوت، بلغ یك میلیون تومان به دولت ایران پرداخت نمایند در ۱۵ سال بعد سالی ۵۰۰ هزار ریال در دو قسط مساوی تادیه نماید .

٤ــ حق مامورین ایرانی که بدفاتر شرکت رسیدگی میکنند سالی ٦ هزار تومان است ۵۵ سال کلیه ادوات و آلات تشکیلات از پرداخت حقوق گمرکی معاف خواهد بود .

۵ــ اگر مستاجر (صاحب امتیاز) احتیاجی به زمین داشته باشد میتواند از آن مجانا استفاده کند مشروطه براینکه اگر زمین از آن ملت باشد با پرداخت قیمت عادلانه میتواند زمین را تصاحب کند

۸ــ مساجر میتواند شرکت و اسهام نیز ترتیب دهد .

پس از انقضاء مدت ۲ سال از مدت قرارداد فوق چون شخص وانتسوف از طرف کمونیستها تا بمن جانی نداشت و او را به بوسائل مختلف آزار میرساندند بنابراین پس از دو سال شبانه از ترس جان بپاریس گریخت و مجددا امتیاز فوق هم بخودی خود باطل و از درجه اعتبار افتاد.

بعد از لغو قرارداد مزبور تا سال ۱۹۲۱ میلادی شیلات ایران بدون استفاده باقی بود و در جریان این سال چون دولت ایران از بازماندگان لیانازف بداد گاه شکایت نمود و کار بحکمیت کشید از طرف ایران آقایان حاجی محتشم الدوله وزیر فرهنگ مشاور السلطنه وزیر دادگستری عبدالسلطنه وزیر فوائد عامه وذکاء الملك رئیس دیوان عالی تمیز حاجی سید نصرالله مدعی العموم واز طرف ورات لیانازف آقایان مارتین ـ لئون ـ رینکا لیانازف کرمی سینسکی ـ آقایانف بعنوان حکم تعیین و پس از مدتی مطالعه ومشورت در سال ۱۹۲۱ محکمه الغای قرارداد را با لیانازف هارا از طرف دولت ایران من غیر حق تشخیص داده و قرار شد قرارداد شیلات ایران با بازماندگان بمدت ۲۵ سال تمدید شود بالاخره دولت ایران پس از عقد قرار داد جدیدی در ۱٤ ماده که آن هم منجر به قرارداد دیگری شد بدین طریق به این سر و صداها خاتمه داد ولی در همین وقت نمایندگی جدید شوروی کمونیستی نسبت باعطاء قرار داد و امتیاز صید ماهی به لیانازف ها سخت اعتراض کرده و باکوشش کردن قرارداد منحوس ۱۹۲۱ متذکر شد که دولت شوروی هیچگونه حقی برای هیچ یك از اتباع خود در ایران و درباره شیلات قائل نبوده و آنرا برسمیت نمی شناسد

پس بااعتراض دولت شوروی و با ملاقات های معرمانه ای که بارجال وقت صورت گرفت و بالاخره با فعالیت بی سابقه سفارت شوروی در ایران قرارداد جدیدی که بزودی گفته خواهد شد بادولت مزبور منعقد شد ولی باید دانست که ابتدا روسها وقتیکه متوجه شدند عملیات آنها و ارسال یادداشت و چاپ آنها در روزنامه ها اثری ندارد بدون هیچ مجوز قانونی اتباع خود را وادار کردند که در خاك ایران و در حدود حوزه امتیاز به لیانازف در آبهای شمال بصید ماهی مشغول شدند و بدون دادن یکشاهی عوارض گمرکی و ماهی ها را به روسیه حمل مینمودند باین عمل هم اکتفا نکرده باجعل ورقه انتقال نامه ای ازطرف مارتین لیانازف که دارای عمده سهام شرکت بود اینطور نشان دادند که خانواده لیانازف مهمیه خودشان را مطلقا بدولت شوروی واگذار نموده اند با این دزدی مسلم و با کشتن مارتین لیانازف در شمیران بقرارداد دولت ایران و لیانازف ها خاتمه داده شد .

در این وقت باوجود اینکه دولت ایران برخلاف کلیه ممالك اروپائی دولت جدید التاسیس شوروی را برسمیت شناخته بود مشاهده کرد که دولت جدید التاسیس و بنده نواز روز بروز برفشار خود نسبت به اتباع ایرانی در روسیه افزوده و بالاخره کار بجائی رسید که دولت جدید التاسیس شوروی باصطلاح سوسیالیستی باوارد کردن قشون خود بنقاط بندر پهلوی و گرگان و حسین کیاده و تاراج اموال لیانازف ها دولت ایران وادار کردند که برای جلوگیری از اغتشاش و هرج و مرج که بدست تازه بدوران رسیده های کمونیست بوجود آمده بود .

ذکاء الملك فوروغی را که ریاست حکمیت خانواده لیانازف ها را بعهده داشت لایحه ای به مجلس آورد که ۸۰۰ هزار ریال بابت حق الامتیاز سالیانه و ۱۵ در صد سود سالیانه و پنجاه درصد از کلیه در آمد بدولت ایران تعلق میگرفت این لایحه که با مخالفت فوق العاده سخت آقای دکتر مصدق روبرو شد بدولت رنك عوض کرده شوروی نشان داد که هنوز هم کسانی هستند که خمخوار ملت هستند و با اجنبی و اجنبی پرستان در هرحال مبارزه میکنند.

بنابر این دست یافتن باین منبع عایدات باین آسانی ها میسر نخواهد بود پس با طرح هزاران دسیسه و نیرنك و ازبین بردن چند نفر از کسانی که مخالف منافع آنها قدم برداشته بود اند در سال ۱۳۰۶ قرارداد جدیدی شامل ۲۱ ماده باچند پروتکل الحاقی که بعدا به آن منظم شد پایگاه جاسوسی خودرا برعلیه ایران بنا نهادند و در نتیجه شرکتی مختلط از ایران و شوروی بنمایندگی علیقلی خان انصاری ازطرف ایران (وزیر امور خارجه وقت) و کاراخان از طرف کمیسر امور خارجه شوروی شرکتی مختلط با سرمایه سی میلیون ریال بشرح زیر منعقد و مفاد آن بموارد عمل درآمد :

بقیه دارد

چه گونه این امپراتور

اندیشید که دختر زیبای شاهنشاه ایرانرا خواستگاری کند و از این راه بیدار دد مفشانه اش تعقق پیدا کند بدینترتیب ین مرد سبك مغز نخست فرستادگانی بایدا ما وارمغان بسوی ایران روان داشت تادربار گاه اردوان از دخت وی خواستگاری کرده و ترتیب عروسی «کاراکالا» امپراتور روم ودخترشاه در ایران داده شود وآنگاه بامردان مسلح که برای برگزاری جشن عروسی بایران می آیند با تبغ با رجال وسرداران ایران درافتاده آنان را از پای درآورد

اردوان که بدوستی و برادری دوروزه کاراکالا ایمانی نداشت و از این گفتگوها ونشست و برخاستهای فرستادگان کاراکالا بوی نیرنك وفریب می بوئید نخست بدین امر خشنود نبود ولی پس از چندی آئینه قلب وی از ناخشنودی پاك و زدوده شد ودست بستگی با امپراتور روم را پیش برد .

* * *

فرستادگان «کاراکالا» در بازگشت بروم خرسندی شاهنشاه ایران را به امپراتور گزارش دادند و آمادگی دربار اردوان اشکانی را برای این عروسی به گوش وی رسانیدند

«کاراکالا» که اینك اردوان را بنیرنك خود واقف نمیدانست واورابی خبر می پنداشت باسپاهی ورزیده راه ایران پیش گرفت درزیر لباسهای ارتش روم تیغهای برانی آویخته بود که برای جان اردوان و دیگر رجال ایران جلا داده شده بود .

بمحض بدرون شدن سپاه روم و امپراتور «کاراکالا» بایران اردوان با بزرگان وسرداران لشگر خویش بدون سلاح وبرك به استقبال به تیسفون شتافت ولی دربرخورد ونگاه نخستین شمشیرهای رومیان ازپس پرده برون آمد وبرپیکر ایرانیان نشست وابدان آنان را قطعه قطعه نمود اما اردوان ازاین مهلکه جان بتندرستی برد وبرای انتقام از رومیان بسوی پایتخت روان شد تا انبوهی اردو گردآوردو برسر رومیان حیله باز ریزد .

«کاراکالا» که تاریخ ازنام وی ننك دارد پس ازکشت وکشتار ایرانیان بسوی میهن خویش بازگشت و چون انتقام دیرین گاه خویش را بازگرفته بودبس شاداب وخرسند گون می نمود

اما از آنجا که تاریخ هیچگاه جنایتکاران را بدون پاداش نمی رهاند کاراکالا دربازگشت بروم بدست یکی ازسربازان شجاع خود کشته شد وجهان از گیر مرد خونخوار وناستودنی رهاشد .

* * *

سپاه آراسته اشکانیان که تیراندازی وشهامت وجرئت شناسا بود بسرداری اردوان آخرین مرد خاندان اشکانی تخلیه بین النهرین و تادیه غرامت را از «ماکرنی» امپراتور جدید خواست ولی او اباکرد وجنگی درگرفت وایرانیان پیروزشدند و رومیان برخواستهای شاهنشاه ایران گردن نهادند .

* * *

کشور ایران که در دوران اردوان پادشاه اشکانی درلجنزارمرك و در گرداب ناتوانی پرتاب میشد وبرد لها امیدی بود قدرتی بکف آورد زیرا تنها علت توانائی ایران؛ روم بود وآن کشورهم منهدم گشته بود.

بلی ...

آفتاب پیروزی اردوان نمودار پدیدآمدن ایران توانائی را نوید میداد آنهم بدست توانای اردشیر اول سرسلسله خاندان ساسانیان.

خاندان بازآورنده شکوه میهن ما

پاینده ایران

نامه ای از یکنفر از اعضاء حزب ملت ایران که اموال او توسط اراذل ودزدان توده ای ربوده شده است

دادستان محترم شهرستان بابل رونوشت فرمانداری محترم بابل رونوشت وزارت دادگستری رونوشت اداره نظارت وزارت دادگستری رونوشت روزنامه آپادانا تهران .

محترما بعرض میرساند مدت ۷ ماه است که اینجانب را یك عده دزد و چاقوکش توده ای بسرکردگی بهرام جانی معروف با سابقه بانواع مختلف مرا از هستی مال وجان ساقط نمودند و پرونده های آن در تاریخ ۳۳ر۲ ۳۲٤ر۵۰ ۵۵۱ر۲ ۳۱ر۲ر۷۳۱ ۳۱ر۱ر۱۸ ۳۱ر۲ر۹

به آن دادستانی ارجاع شده بنده نمیدانم روی چه اصل وعوامل هنوز ترتیب اثری به شکایت واحقاق حق بنده داده نشده وکسانی که مرا باکارد و چاقو مضروب نموده یا اموالم را غارت کردند که هنوز پس از ۷ ماه بایدطبق تجویز پزشك تحت درمان باشم باکمال آزادی وگستاخی به شغل دزدی خود ادامه میدهند .

ومشغول خرابکاری برعلیه دولت و ملت میباشند و آندستگاه عریض و طویل دادگستری ومقامات مسئول کوچکترین عکس العمل از خود نشان نداده یا اینکه اگرهم عملی انجام دادند بنده که شاکی هستم کوچکترین اطلاعی از پرونده های شکوائیه خود ندارم .

وحتی برای بازجوئی در بازپرسی هم دعوت نشدم جزیك پرونده که در شعبه ۱ بازپرسی بود و بس .

درصورتیکه بنده دارای چهار پرونده شکایتی میباشم و دائم در کدام شعبه مانده است الحال بوسیله این نامه کتبی سئوال مینمایم که راجع به پرونده های شکایتی که اینجانب از این عده بیوطن داشتم چه ترتیب اثری دادید که حقوق قانونی من دستخوش اشرار نگردد وحق من پامال نگردد .

منتظر جواب از آن مقامات مسئول میباشم .

چنانچه درظرف مدت یکهفته جواب فاتح کننده داده نشود بوسائل دیگری اقدام خواهم نمود .

این سئوال پیروشکایتی است که در تاریخ ۳۱ر۶ر۱۶ به مقامات مسئول نموده ام .

سید محمد هندی

مقاله وارده از کرمانشاه

احساسات یك دوشیزه ایرانی

درود فراوان برشما ای کسانیکه برای تجدید عظمت ازدست رفته ایران برخاسته اید و برای نیل بمقصود ازهیچ مانعی نمی هراسید وچون طوفانی خشمگین همه سدهارا درهم می شکنید و پیروزمندانه بمبارزه افتخارآمیز خود ادامه میدهید سرسخنم باتواست ای کسیکه کفن برتن برای جنك با اهریمنان آماده شده ای و با داس انتقام خرمن هستی بیگانه پرور و بیگانه پرست را درو میکنی .

زمانی که جهل و بدبختی چون عفریتی مخوف برسرمیهن سایه گسترد و دیو هیولای سرخ جوانان فریب خورده را درون باتلاق رسوائی کشانید .

هنگامیکه ایران وطن تاریخی و پرافتخار ما تجزیه شد و چرپیکری از او باقی نماند ناگهان برقی عظیم درخشیدن آغاز نمود و باروشن نمودن وادی تاریك وطن بدوران سرکشتگی و پژمردگی روح ایرانی پایان بخشید

آری ... مشعل فروزان ایزدی چراغ راه وطن پرستان شد تا پستیها و بلندیها وجاهها و باتلاقهائی را که در سرراه است بنمایاند وراه را ازچاه برای فدائیان وطن تمیز دهد .

ای درفش سه رنك که با نسیم صبح گاهان موج زنان در آغوش فضای برافراشته شده ای

دربرابرتو بمهد و افتخار تو به عظمت تو سوگند یاد می کنم که از پای ننشینم تاکفن را بخون خود کلمگون نمایم و براه استقلال و آزادی وطن عزیزجان ناقابل خودرا فدا سازم و پیروزمندانه درآن لحظات آخر زندگی با خیالی خوش بسرای باقی شتابم....

آنروز که زوال و نیستی هیئت حاکمه خون آشام و مزدوران روس نزدیك است آری درمیدان خونین ابرد باصدای رسا اعلام خواهیم نمود که ما هیچگاه فریب تبلیغات پوچ و بی اساس خارجیان نخورده و نخواهیم خورد .

درآن لحظاتیکه بادست خون فشان توانای انتقام قلب توده ای های مزدور را ازهم متلاشی نمودیم خواهیم گفت که همواره فرزندان همان ایرانیان قدیم بودیم که بردلیائی حکومت میکردند واحکام وقوانین آنان سر مشق سایر ملل بوده است .

اگرچه من دوشیزه ای بیش نیستم وقانون بما دوشیزگان اجازه نمی دهد که درهیچ یك ازامور مملکت دخالت نمائیم

ولی وظیفه خودمی دانم که در هرجا وهرمکان با اجنبی پرستان مبارزه نمایم .

ایکاش صدای مرا توده ای های مزدور می شنیدند ومی فهمیدند که ایرانی هیچگاه فریب تبلیغات مسموم کننده آنان را نخواهد خورد وهمیشه تالحظات آخر نام میهن عزیز ورد زبان او خواهد بود.

بمیر ای مزدور روس ای برده سرخ که برای خوش آیند ارباب میهن خودرا درپشت سرمیگذاری وبمقدسات خودتوهین میکنی ننگین باد عمرت ای خائن وطن

چگونه روی داری که درمیان وطن پرستان جلوه گرشوی چگونه انتظار داری که مادر وطن از توروی برنگرداند.

بروه ایرانی زنده شده ودیر یازود سزای تو خائن را در زیرپرچم پان ایرانیسم بتوخواهد داد.

باصدای رسا فریاد خواهیم زد. (مرده باد مزدوران روس و نوکران امریکا و انگلیس پیروز باد. نهضت نجات بخش حزب ملت ایران بربنیاد پان سرافراز باد ایران)

ای وطن پرستان بیش از این مگذاربدکه این خارها بپای جوانان ساده لوح برود برای خدا این مزدوران را بامشتهای آهنین خود نابود کنید آنان که رهبر خود را استالین تهی مغز میدانند نه تنها ایرانی نیستند بلکه ایرانیان ننك دارند که آنان را ازخود برانند زیرا ایرانی هیچگاه حاضر نخواهد شد که برای سفارت خانه ها وبنفع اجنبی جاسوسی نماید و عظمت واستقلال وطن ملعبه دست دول های خارجی سازد

پاینده ایران

مسافرین محترم اردبیل

برای راحتی خود از کاراژ شیشه واقع در خیابان سپه مسافرت کنید

آپادانا

ارگان حزب ملت ایران بربنیاد پان ایرانیسم

دارنده امتیاز: امیر سلیمان عظیما

زیرنظر هیئت تحریریه

ارتش ایران

بعلت تراکم اخبار بشماره بعد موکول شد

کتاب

در پیرامون ملت

بزودی منتشر و در دسترس عموم علاقمندان گذارده خواهد شد

در ایران ما

حمله کارگران توده ای کارخانه چیت سازی به دبیرستان ادیب منظور توده‌ایها از اخلال و تشنج تحقیر گذاشتن نهضت ملی و اخلال در برنامه اصلاحی دکتر مصدق است

در این روزها اخلال گران توده‌ای به تحریک اربابان خود شروع بایجاد تشنج واخلال در دبیرستانها نموده تا باین طریق بتوانند منظور پلید خود را که همان تشنج واختلافات دامنه دار برای میدان دادن به تجاوزات بیگانگان است اجرا نمایند این بیگانگان پلید ومزدورهیچ نمیاندیشند که با منطق چوب وچماقو بهیچوجه نمیتوانند جوانان مبارز و افراد میهن پرست را از مبارزه ایکه علیه بیگانگان شروع کرده‌اند بازدارند.

هرسال این خرابکاریها وزد وخودها دراواسط سال شروع میشد ولی امسال هنوزبیش ازیکهفته ازافتتاح مدارس نگذشته است که مزدوران توده ای شروع بهرج ومرج در مدارس نموده اند چنانچه دیروزساعت ۹ صبح یکعده صد نفری توده‌ازکارگران کارخانه چیت‌سازی مبادرت به‌حمله به‌دبیرستان‌ادیب برای‌اغتشاش و زخمی نمودن افراد حزب ملت ایران نمودند. ولی جوانان دلیر پان ایرانیست چنان این عده اراذل و اوباش توده ای را تار و مار نمودند که هرکدام ازآنها چون‌سگ‌زوزه‌کشان به‌طرفی گریختنداز افراد حزب ملت ایران تصمیم گرفته‌اند ازاین ببعد درهرکجا جلواغتشاش وخرابکاری توده‌ای‌هارا تدر باشیدت هرچه بیشتر بگ

درشب عاشورا قریب ۱۰۰ نفر توده‌ای برای آتش زدن و خرابکاری بحزب‌ملت‌ایران بربنیاد پان‌ایرانیسم حمله‌ورشدند

درساعت ۱۲ بعدازظهر شب عاشوراکه هیچیك از افراد درحزب نبودند و افرادگارد محافظ نیزبرای عزاداری رفته بودند قریب صدنفر توده‌ای و دوستان هم‌با یکی آنها بحزب حمله‌ورشده ومستخدم‌را لضرب کاردمجبور بسکوت نمودند.

پس‌ازآنکه تمام صندلی‌ها و درب‌ها را آغشته به‌بنزین نمودند قسمتی از اطاق بخش‌تبلیغات را آتش‌زدند در این ضمن پیشخدمت شجاع ما از دست آنها گریخته وبرای کمك بخارج حزب‌میرود که بیشتازان‌بزدل روحیه خودرا باخته و فرار را برقرار ترجیح میدهند

این‌احمقان بدانند اگردفعه دیگرقدم آنها بدرب حزب رسید نقش آنها نقش زمین خواهد شد.

در این آتش‌سوزی خسارات وارده صفراست.

فرماندار ورئیس شهربانی بابل دوستان حزبی‌مارا بدون جهت توقیف وبرعلیه‌آنها پرونده‌سازی مینمایند

طبق اطلاعات واصله از بابل توده‌ایهای‌مزدور درآن شهر دست به بلوا وخرابکاری‌زده وهرروز مزاحم مردم شریف‌بابل‌میشوند درمقابل افرادحزب‌ملت ایران برای برقراری آرامش جلو دسائس مزدوران انگلو کمونیست را گرفته و ازهرنوع‌تشنج وآشوبگری‌جلوگیری‌می نمایند

در این کیرودار فرماندار و رئیس شهربانی معلوم نیست روی چه اصلی مزاحم سربازان پان‌ایرانیسم شده وآنهارا از هرطریق که میسر شود میکوبند چنانچه بدورجهت سرور شجاع شاربیان و دونفر از افراد حزب ملت‌ایران‌رادر شهربانی زندانی نموده‌اند.

ما از مقامات مسئول خواهانیم باسرع وقت فرماندار ورئیس شهربانی بابل را تعویض و دوستان دلاور ما را از زندان‌آزادسازند

زد و خورد شدید بین دلاوران پان‌ایرانیست و اراذل بیگانه پرست توده‌ای در شیراز

بطوریکه خبرنگار ما از شیراز اطلاع میدهد چند روزپیش زد و خورد شدیدی بین جمعی ازتوده‌ایهای بی‌وطن وجوانان وطن‌پرست وفیوشیراز برسر فروش روزنامه درگرفت بی‌وطنان توده‌ای برای پی کم کردن وپنهان‌نمودن نقشه اغتشاش‌خود بادر دست‌داشتن روزنامه پرچم‌جوانان‌که بجای (جوانان دموکرات) منتشرمیشود شروع بدادن شعارهای توهین‌آمیز به‌قائدین رشید ملت ایران و مقدسات ملی‌ما مینمودند دراین حین مواجه باجوانان حزب ملت ایران و افراد دلیرشیرازی شدند وکفتربازها چون از فروخته نشدن روزنامه‌های خود عصبانی بودند بادر دست‌داشتن ساطور وکاردوچماق بجوانان وطن پرست حمله‌ور شدند بطوریکه دراثر این‌جریانات عبور ومرور قطع‌شد وصاحبان مغازه‌ها و دکاکین خودرا بسته وبهواخواهی جوانان‌ملی به‌توده‌ایها حمله‌ورشدند.

عده‌ای ازبشهربانی رجوع‌نموده وازآنها تامین جانی خواستند و عده‌ای نیز تلگرافهای شکایت‌آمیز ازتوده‌ایها بمرکزمخابره نمودند

کاردها وساتورهائیکه توده‌ایها استعمال مینمودند درطرفین نیفه آن عکس کبوتر صلح حك شده بود. بااین (اسلحه‌صلح) بسیاری مجروح نمودند.

اینست معنی‌صلح وآزادی در فرهنك صلح جویان پیشتاز

مزدوران کمیفرم وعمال انگلیس با همکاری صمیمانه یکدیگر میخواستند درراه آهن اغتشاش وبلوا کنند

دیروز ساعت ۱۰ صبح یکعده اخلالگرانگلو کمونیست درمحیط کارخانجات راه آهن دست باعتصاب وبلوا زدند.

در این‌موقع کارگران رشید و ملی بی به دسیسه خیانتکاران برده‌وبانظم وآرامش مشغول کار شده وتودهنی محکمی به اخلالگران زدندکه اعتصاب وبلوای آنها بیش‌از ده دقیقه طول نکشید دراین‌وقت احساسات کارگران ملی چنان‌بجوش آمده بودکه بی‌اختیار فریاد زنده‌بادکارگران ملی عضو حزب ملت‌ایران بربنیاد پان ایرانیسم بلندشد وپس‌ازآن کارگران‌رشید بکار خود ادامه داده ومانع آشوب بی وطنان گردیدند.

اخراج یك جاسوس انگلیسی از ایران

طبق اطلاعات واصله (جونس) رئیس کارآژانس موتورکه نفع انگلیسها درایران جاسوسی میکرد ازطرف مقامات مسئول پروانه اقامت اولغووبه وی دستورداده شدکه تا ده روزدیگر خاك ایران را ترك گوید.

چاپخانه اختر شمال

به پیشگاه ارجمند جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر خردمند ایران

اکنون که استعمارآزمند انگلستان باایستادگی نابخردانه در برابر اراده ملت ایران‌آن نخست وزیرهوشمندورهبر بزرك‌ملی را باندیشه فراخواندن نمایندگان سیاسی میهن خود از انگلستان انداخته و برای واگذاردن سرپرستی ایرانیان درکشور بریتانیا بیك دولت بیگانه رای مردم را خواستار شده حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم باخرسندی از این روش خردمندانه هند آزاد شده را تنها دولتی میداندکه شایستگی این کار راداردزیراهنگامی که ملت ایران میتواند در رستاخیز ناسیونالیستی خویش از مات های‌آسیائی که خودسالیان دراز درزنجیر استعمار بیگانه بسر کرده وبه بدبختیها وسیه روزیهای ایرانیان آشنائی دارندکمك بگیرد

هرگز نباید دست یاری بسوی ملتهای اروپائی که ازجنایت های استعمارگران چزنامی نشنیده ودرگذشته کوچکترین همگامی باملت ایران نداشته‌اند دراز کرد

درآسیا هم از دولتهای همجوار یابهتر بگوئیم آلتهای بی اراده استعمارکه بگذریم بدبختانه بیشتر ملتها در زنجیر استعمار سرخ وسیاه دست وپامی‌زنند.

درمیان دولتهای آزادهند زنجیرگسسته تنهادولتی‌است که‌می تواند یار وفادار ایران باشد

رشته دوستی ایران وهند باپیوندهای پر ارزش آزادی و فرهنگی در ژرفای تاریخ پدیدآمده و درچند صد سال گذشته با ایستادگی‌وپایمردی دربرابرهجوم وحشیانه استعمارارو پائی‌زنجیری گسست ناپذیر گشته.

امروزهند بیدارشده برهبری مردی خردمندچون‌نهرو پس‌از سالیان‌دراز نبرد بابیگانه تنها کشوری است که میتواندبملت‌قهرمان ایران در راه سرکوبی استعمار یاری کند وایران وهند سرزمینهائی هستندکه بایدهسته مرکزی رستاخیز ناسیونالیستی آسیای کهن گردند شماآقای‌دکترمصدق‌باپرگزیدن‌دولت هند باین‌کارنه تنها سرپرستی شایسته و وفادار برای ایرانیانی‌که در انگلستان زندگی می کنند یافته‌ایدبلکه باردیگی بدولت هند یکبار دیگر نمودار خواستهای تاریخی ملت خودگشته‌اید زیرا هرایرانی‌روشندل درآرزوی‌روزی بسرمیبردکه دست برادران هندی خودرا درکنار هند خروشان «مرز حقیقی ایران "وهند" بفشارد

رونوشت - اطلاعات- باختر- کیهان- سیاست ما

دفتر سازمان مرکزی حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم

بدوران غارتگری

بقیه از صفحه ۱

آذربایجان را در آتش خود می‌سوزاند لازم بودکه خود ملت آن آتش را خاموش و بجهانیان ثابت کنند که جای گرازان سرخ وخرسان‌سفید جایگاه‌بیشه شیران‌ایرانی نیست.

مقاصفانه تمام کوشش‌های مردم و عشایر آذربایجانی که عده‌ای‌هم‌ازبستگان اینجانب جزوآنان بودند بهدر رفت‌حتی بعضی از آنان بمقامات انگلیسی رجوع کرده‌بودندکه جواب یاس‌آمیز شنیده و مراجعت کرده‌بودند(اسلحه برای‌سرکوبی جنبش انگلو وسوبتیك‌چه‌فکرخامی...!)

بالاخره بعد از مدتها ستاد ارتش برای‌اینکه سرکوبی بیومان‌های خائن را باسم‌خود وبنام دولت‌مطبوعش خاتمه دهد نقشه جنگی مفصلا کشید و نقشه را بقدری‌مخفیانه حفظ‌کرده بودندکه حتی سپهبد سرکوچه‌که علاقه بموطن خودداشت باخبر بود بطوری‌ما خودمان باخبر بودیم که بعد از حمله ارتش برای سرکوبی بیوطنان در بندر آستارا که نزدیك سرحد واقع‌است تیراندازی نخواهد شد.

(بهمین سبب هم عده از بهترین افراد نظامی‌ما بدون‌جهت و بدون نقشه جنگی نظامی بقتل رسیدندکه ممکن بود حتی یکنفرهم زخمی نشود)

باری روزحمله فرارسید و باهمان روش جلورفتند و حتی اجازه ندادند عشایر آستارا در مانور غیرنظامی و محلی که‌سالها است با مهاجمین روس جنگیده‌اند شرکت کنند و بالاخره قضایا بنام دولت‌وقت وبسوداو خاتمه‌پذیرفت

اما برای اینکه‌کاری هم‌صورت‌داده باشند سعی کردند مقداری اسلحه دربین عشایر شمالی وجنوبی برای روزمبارزه تقسیم کنند،هرخان‌وهربگی که‌میتوانست امیال خائنانه آنان‌را که‌عبارت‌ازچپاول ملت بدبخت بعناوین‌مختلف واتهامهای‌غیر معقول باشد انجام دهند صاحب اسلحه شده

باید دانست که داشتن اسلحه لازم بوددرزمان‌غلام یحیی‌دربین‌مردم‌آذربایجان وبین‌مردم فراری آن‌رایج باشدنه‌وقتیکه آذربایجان رهائی یافته است اینجااست که‌آدم براین منطق لعنت میفرستد

بهرجهت وقتیکه اسلحه بین‌عشایر قسمت شد صاحبان‌اسلحه که‌انضباط‌نظامی و سربازی‌ابدادر بین‌شان نیست‌واز کسی ترس ندارند صاحب نفوذ شدند

وبایدقطعی‌دانست که‌این نوع‌صاحبان اسلحه بزرگترین عامل اجرای مقاصد بیگانه پرستی‌وسیاست غیرمستقیم بیگانه اند اگربارو ندارید بدانید تمام آنهائی که‌اسلحه دارندغیرمستقیم مولدنارضایتی های عقیق وکمونیسم‌اند زیرا باداشتن‌یك تکیه گاه محکمی‌مانند رکن ۲ومقامات انتظامی،که‌شاید خودشان‌هم‌ندانسته‌حمایت میکنند تمام هستی مردم وخورده‌مالکین اطراف راچپاول‌میکنند وبعناوین‌مختلف مردم را آزارمیدهند وبادستهای مرموز افراد میهن پرست را بصورتهای مختلف ازقبیل اتهام کمونیستی و توده‌ای‌و حتی به ناسزاگوئی‌مقامات‌غیرمسئول بدست‌دژ خیمان میسپارند تابرای ایشان پرونده سازی کنندوآنچه‌را که‌ازاعتقادات‌ایرانی درنهادشان‌باقیست‌درمحبس بوسیله‌تلقینات محبوسین دیگر ازدست‌بدهد و تمام عیار کمونیست شود

مبارزه حزب‌ملت ایران باید بااین قبیل سر سپردگان جاسوسان بیگانه که ناشر ومولدکمونیست هستند چندین‌برابر باخود مبلغین پولی حزب روسی‌توده‌باشد وهرآن که‌میترانندنفرات آنان‌را بکوبد

باری‌خیانت‌اینان‌تنها تولیدکمونیسم ونارضایتی مردم از اسلحه دارها اعم از شهری وعشایر ویا نظامی‌وایلی بحداعلی رسیده است باینجاخاتمه پذیرنیست بلکه برای منافع شخصی ویاباتعلیمات بیگانه دائما برسرگول‌هم‌ریخته و ایجاد ناامنی ووحشت واضطراب مینمایند، البته‌ممکن است مانند رزم آراءکه در شیراز عمدا ایجادناامنی کرده بود وبا یك قشون کشی چهارمیلیون تومان بجیب زده بود عده یافت شوندکه برخورد اینها رابزرك کند و دوباره ٤ یا چند میلیون تومان دیگر بجیب بزنند.

باکمال حسن نیت با پیش بینی‌های لازم عقیده داریم هرچه زودتر اسلحه را ازاوباش پس بگیرند و آنان را بکشت وبرزگری وادارکنند و همان‌کاری راکه پهلوی کرد تکرارکنند تا نا امنی هـای مهلك خاتمه یابد.

ضمنا متذکر میشوم اگرایران دوباره بین روس‌وانگلیس تقسیم‌شود یقین‌بدانید که دولت ها خودآن را خواسته وایجاد کرده اند.

بنا براین اجازه نخواهند داد که ملت غیورایران ازآنان انتقام‌نکشد و نخواهندگذاشت دارندگان اسلحه مزاحم غارتگریهای بیگانه شوند تا بنا راحتی بتوانند حتی زیرشلواری ایرانیان‌راکنده بیفکا بیرند.

پس لزومی ندارد که یك عده را بعنوان عشایر وحامل اسلحه بتراشند و آنان را مسلط براجتماع برزگران کنند.

مگرآنکه‌عمدی‌درکارباشد وبخواهند برشدت نارضایتی‌هاودرنتیجه برنفوذسیاست شوم سرخ اضافه بشود ومبارزه ملت‌ایران را درمقابل هزاران اشکال دشوارترو خونین ترگردانند.

پان ایرانیسم اندیشه ایست

بقیه‌ازصفحه ۱

جهان راست باید که باشد بچیز فزونی حرام است وناخوب ونیز

زن و خانه و چیز بخشیدنی است تهی‌دست‌کس‌با توانگریکی است

مزدك تحت تاثیر عقاید قوم یهود علل همه بدبختی‌های آدمی را درمال و زن میداند وبرای رفع این‌بدبختی ها اشتراکی‌کردن زن ومال راآرزو میکند

این اندیشه‌های مسموم و خطرناك جزتضعیف روح ملیت، شجاعت، علاقه‌و عشق بکار عشق بشرافت و ناموس چیز دیگری دربرنداشت

درجمله «فزونی‌حرام است و نا خوب‌نیز» شما چه می‌بینید، مزدك‌می گوید که هرکس‌خواه‌کار بکند خواه‌کار نکند باید باکسی که شب وروز میکوشد برابر باشد! زیرا این مرد تحت تاثیر اندیشه جهودها اینطور فکر میکرد که تنها نظامات اجتماعی باعث نابرابری افراد بشری گردیده و نمیتوانست باین حقیقت وقوف حاصل‌کند که اولا این فکررا جهود ها برای آن در دنیا منتشر ساختند که خودبتوانندبر ابر انحراف های اخلاقی واجتماعی که‌داشتند مقام جامدوغیرمتحرك دیگری «نظامات اجتماعی» را مقصرقلمداد کنند و بدین وسیله خودرا ازقید و بند قانون آزاد سازند.

ثانیا این‌مرد اندك توجهی به‌طبیعت انسانی وجامعه‌های بشری نداشت که‌درك کند «فزونی ازراه‌کار وشرافت» باعث ایجاد تمدن ها و پیشرفت‌هاست گذشته از این استعدادها وقدرت‌سازندگی‌افراد بشر برخلاف حیوان ها باهم فرق دارد

این افکارکه ازسرچشمه‌تمایلات‌قوم یهود تراوش‌میکنداز دیرزمانی‌درکشور های مختلف جهان‌ودر ادیان نیز راه‌خود را بازکرده ودر قرن ۱۹ بوسیله کارل مارکس، همان اندیشه‌ها، همان افکار ضعیف؛که درزمانهای پیش بوسیله «یل» «مزدك» و «مانی» بیان شده‌بودبطرز جدیدی‌ارائه گردید

بهر حال باآن که‌انوشیروان با این افکار سخت مبارزه نمود، چون‌این‌بار بموقع انجام‌نگشته بود ایران‌دچار حمله افکارضعیف گردیدوسرانجام درحمله اعراب براثرضربت‌شدیدی که‌این‌افکارخانمانسوز بوحدت‌ملی ایران زده بود بسرعت‌ازپای درآمد ویك‌فرهنك‌بزرك و درخشان بـر اثر ندانم‌کاریها غروب‌کرد و با غروب این فرهنك‌ماهنوز نتوانسته‌ایم‌بیدارشویم و هنـوز از این خـواب غفلت سیر نگشته‌ایم.

پان ایرانیسم پایان این شب ظلمانی است.

پان‌ایرانیسم صبح درخشان عظمت‌ایران‌وخورشیدتابان‌رهائی جهان از اندیشه های ضعیف و کشنده‌میباشد.

درکنار فلسفه اسلام، افکارضعیف جهودها که‌دیرزمانی‌دریونان ورم‌راه‌یافته بود بصورت هـای مختلف صوفیگری، خراباتیگری بایران‌تاختند.

ایران بیش از همه‌وقت دراین‌زمان زیان دید، زیانهائی که‌حتی حمله اعراب در برابر آن بمنزله «قطره‌ای درمقابل دریا» بود

بلی، افکار جهودها دراین موقع با سرعت شدیدتری در ایـران نضج گرفت.

صوفیگری‌مفهوم‌تقوی‌واخلاق‌رادر نمیداشت صوفیگری مروج فساد اخلاق، بیکاری روح جهان وطنی بود، صوفیگـری که زائیده افکار ضعیف بود چنین‌تعلیم میداد که مردصوفی باید ازمال‌دنیا متنفر بکند وبرای سدجوع ورفع گرسنگی‌خویش از راه‌گدائی و دریوزگی لقمه نانی بدست آورد، صوفیگـری بـا ازدواج بشدت مخالفت میکرد واز این راه‌همان‌افکاری که براثرتلقینات جهود ها بیونان و رم راه یافته بود پیکر این‌دوکشور راچون موریانه خورده بود دراین زمان بصورت «شاهد بازی» جلوه‌گری کردبهرحال‌این اندیشه پست، خون ایرانی‌را ازحرکت بازداشت‌فکر ایرانی‌را ازمجرای صحیح خود منحرف ساخت صوفیگری باعث شد که ایرانیان روح خرافت‌ووطنپرستی را فراموش‌کنند ودر بـرابر یورش ایـل چنگیزی هیچگونه مقاومتی ازخودنشان ندهند.

ودربرابرآنهمه بیشرمی، بی ناموسی که ازطرف سربازان چنگیزی‌دیده میشد خاموش بنشینند وچون‌مرغ مفلوکیها سرهای آن‌هارا از بدن جدا کنند ودم نزنند

برای‌آنکه طرز فکری که در این زمان بایران روی‌آورده بودکمی روشن ـر ـ ازعبارات شعـرای بنام این دوره استفاده میکنیم، قضاوت عمرخیام درباره زندگی‌چنین است

چون حـاصل آدمی در این دیر دودر جزخون دل و دادن جـان نیست دگر خرم دل آن کسی که معروف نشد وآسوده کسی که خود نزاداز مادر

• • •

ودر مورد دیگرمینویسد

از آمدنم نبود گردون را سود وز رفتن من جاه وجلالش نفزود

وز هیچ کسی نیز دوگوشم نشنود کاین آمدن و رفتن ما بهرچه بود

عرفی در مورد سلوك بامردم‌چنین میگوید:

چنان‌با نیك وبد سرکن که بعد از مردنت عرفی ـ مسلمانت بزم زم شوید و هند و بسوزاند

این اشعار نماینده فکر مردم‌اینده‌وره میهن ماست عمرخیام و عرفی و شعـرای دیگرایران‌ازقبیل سعدی وحافظ ومولوی تحت تاثیر افکار قوم یهود و محیط بر ادبارو نکبت بار زمان‌خویش راه ارشاد مردم را فراموش میکنند از اشعار خیام روح لاابالیگری، بی علاقـگی بکار و کوشش وفعالیت نمودارراست

عرفی‌میگویدنسبت‌بهمه یکسان رفتار کن نسبت به ستمگر وعادل و دوست و دشمن تفاوتی قائل نشو و بهرحال اگر کسی بناموس تو، به مال تو، به میهن توتجاوز کرد

اورا مورد لطف خویش قرار داده که ازتوآزرده خاطرنگردد

این تعالیم خرمن های هستی ملت مارا سوخت و باآنکه در دوره‌صفویه و دوره نادری تـا حدی باآنها مبارزه شد ولی ریشه آنها ازمیان نرفت ودوباره دردوره قاجاریه این افکارشروع برشد کردند.

صوفیگری این باردردرجه دوم‌قرار گرفت‌دراین‌مان زودائیزم بصورت بهائی گری (بهائی زدگی) بسرعت نضج گرفت ومحیط‌آلوده ایران رابرای پرورش‌خود کاملا مساعد یافت باآنکه مردان میهن پرست ازجمله میرزاتقی خان امیرکبیر باین اندیشه سست وضعیف بشدت‌مبارزه کرد ولی‌سرانجام‌حامیان‌این‌فکرپست‌یعنی دو همسایه شمالی و جنوبی بزرگترین موانع‌رادربرابراین‌مردبزرك‌ایجادکردند وسر انجام امیر کبیر جـان خود را در این‌راه‌باخت مطالعه اندیشه های خائنان سوز بهائیگری، صوفیگری، باطنیگری وهمچنین یادداشت‌های کشتنیازدالکورو کی درنشان دادن سخافت وسستی این اندیشه ها در نشان دادن صدماتی که ازاین راه برماواردشده، درنشان‌دادن‌اینکه‌چگونه روسها وانگلیس‌ها همیشه سعی‌داشته‌اند که مردم میهن ما را به قلمرو افکـار ضعیف سوق دهند بسیار سودمندست‌وباید مورد مطالعه قرارگیرد

اتو ملایر
باماتوکارهای نوکس‌اتوملایر
مسافرت‌کنید.